

# پیشوندهای hin, her به همراه افعال

سلام دوستان،

در این درس می خواهیم با هم نگاهی داشته باشیم به پیشوندهای her و hin که می توانند با افعال ترکیب شده و به آنها معانی تازه تری ببخشند.

قبل از هر چیز اجازه بدهید که ببینیم her و hin اصلاً به چه معنا هستند!

her می تواند دو معنی از نظر زمانی و مکانی داشته باشد

از نقطه ای به سمت گوینده – از زمان های قبل از روزگاران پیشین تا به امروز

پس می توانیم نتیجه بگیریم هم می تواند قید زمان و قید مکان باشد

hin می تواند دو معنی کاملاً متفاوت داشته باشد

از شخص گوینده به سمت دیگر ، به آن سو

پس هرگاه معانی بالا را به همراه داشته باشد hin نیز یک قید مکان می شود.

اما دیگر معانی آن به ترتیب زیر است :

فناشده ، داغان شده ، مُرده ، در گذشته ، نابود شده ، برخی اوقات ، گاه گاهی

چند مثال :

Geh du schon hinaus, ich komme gleich nach

تو برو ( به بیرون ) من هم الان میام

اینجا hin با ترکیب شدن به فعل ausgehen این معنی را به آن بخشیده که از جایی که من هستم تو برو به سمت بیرون

همچنین میدانیم که ausgehen به معنی : برای گردش از خانه بیرون رفتن ، به قصد و نیت گردش و قدم زدن از خانه به بیرون

رفتن ، است.

پس نتیجه میگیریم با اضافه شدن hin به این فعل ، چنین مفهومی را به همراه دارد که از پیش من یا از سمت من تو به نیت گردش و تفریح برو بیرون ، من هم چند لحظه دیگر پشت سر تو یا به دنبال تو می آیم.

Komm sofort heraus

فوراً بیا به بیرون!

یعنی از داخل جا و مکانی به بیرون آمدن به سمت بیرون آمدن ، در بعضی موارد به سمت من گوینده آمدن

Sollen wir gemeinsam da hingehen?

می بایستی ما با یکدیگر ( باهم ) به آنجا برویم؟

در واقع hin اینجا در نقش یک پیشوند با فعل gehen ترکیب شده است و از آن یک فعل جداشدنی با مفهوم : به جایی یا مکانی رفتن را ساخته است

Soll ich ihnen sagen, dass sie herkommen sollen?

می بایستی من به آنها بگویم که اونها می بایستی به اینجا بیایند؟

در اینجا نیز her در نقش یک پیشوند با فعل kommen ترکیب شده است و از آن یک فعل جداشدنی با مفهوم : به اینجا آمدن را ساخته است ، یعنی درست به جا و مکانی که من ایستاده ام!

البته ما پیشوند heran را نیز داریم که بد نیست در اینجا نیز به آن پردازیم

heran به این سمت ، به این سو ، به اینجا

که پس از ترکیب شدن با افعال نه تنها معنی جدید به آنها می بخشد بلکه آنها را نیز یک فعل جداشدنی میکند ، برای مثال

herankommen

herankommen نزدیک شدن ، کمی نزدیک تر به سمتی یا به اینجا شدن

sie kam langsam heran

او آهسته نزدیک میشد

endlich kamen die Ferien heran

بلاخره یا سرانجام تعطیلات نزدیک شدن یا فرا رسیدند

کاربرد این پیشوند ها در اصطلاحات

hin und wieder

گاه به گاه ، اغلب ، در بعضی موارد ، گاهاً

درست معنی شبیه به zuweilen

zuweilen

بعضی از مواقع ، گاه و بیگاه ، گاه گاهی

hin und wieder bekomme ich Kopfschmerzen

گاهاً من سر درد میگیرم

یعنی در بعضی از مواقع من دچار سر درد می شوم

zuweilen bekomme ich Kopfschmerzen

گاه و بیگاه دچار سر درد می شوم

zuweilen lese ich ein Buch

گاهاً من یک کتاب میخوانم

Hin und wieder lese ich ein Buch

گاهاً من یک کتاب میخوانم

گاه و بیگاه من در حال مطالعه یک کتابی هستم!

hin und her

به اینجا و به آنجا – به این سو و آن سو

در واقع درست هم معنی با zuweilen است

hin und her laufen

بدون هدفی به این سو و آن سو بدویم

اما توجه داشته باشیم اگر her به فعل laufen بچسبد یا ترکیب شود آنگاه جمله بالا معنی دیگر میدهد

hin und herlaufen

به آنجا ( مکان معینی ) دویدن و دوباره به همین مکانی که هستیم برگردیم

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع : de.alemani.de